

بوم خبر

مدیر کل دفتر هنرهای تجسمی تشریح کرد

دلایل طولانی شدن بازسازی موزه هنرهای معاصر

هادی مظفری، مدیر کل دفتر هنرهای تجسمی، بابیان اینکه تاکنون ۶۰ درصد از پروژه مرمت موزه هنرهای معاصر تهران انجام شده است، شرایط خاص این موزه و ارزش تاریخی که دارد را از دلایل طولانی شدن فرآیند مرمت و بازسازی عنوان کرد. نوسانات زیاد قیمت‌ها در بازار و همچنین نداشتن سرعت لازم از سوی پیمان کار اول، دلایل دیگر این امر عنوان شد.

نشست خبری مرمت و بازسازی موزه هنرهای معاصر تهران صبح روز دوشنبه (۳۱ تیرماه) با حضور هادی مظفری (مدیر کل دفتر هنرهای تجسمی) و مجید آقایی (مدیر موزه هنرهای معاصر تهران) در کتابخانه این موزه بر گزار شد. در ابتدای این نشست هادی مظفری در سخنانی اظهار کرد: پیش‌بینی ما برای مرمت موزه در دواز ۶۰ و ۴۰ درصدی بود که ۶۰ درصد اولیه این پروژه به اتمام رسید و امروز گزارش آن ارائه خواهد شد.

او ادامه داد: موزه هنرهای معاصر در سال ۵۶ افتتاح شده و تاریخی که بعد از ۴۲ سال بر آن گذشته بود، کارهای زیادی داشته که بخشی پیش از آغاز پروژه قابل پیش‌بینی بود و بخشی هم در پروژه خودش را نشان داد. به‌طور کلی فرآیند مرمت و بازسازی موزه در ۱۲ جبهه اصلی و ۱۳۰ بخش فرعی انجام شد.

مدیر کل دفتر هنرهای تجسمی همچنین درباره علت طولانی شدن فرآیند بازسازی و مرمت موزه هنرهای معاصر تهران، توضیح داد: این پروژه از اردیبهشت ۹۷ آغاز شد و یکی از علت‌هایی که این پروژه تاکنون ۱۴ ماه به طول انجامید، نوسانات زیاد قیمت‌ها در بازار بود. با توجه به برآوردهایی که صورت گرفته بود مشکلی برای تأمین اعتبار وجود نداشت و همچنین نیاز وجود ندارد، اما به‌روز کردن قیمت‌ها کار را برای ماسخت می‌کرد. در مجموع تغییرات هفته‌ای قیمت‌ها باعث تأخیر در کار شد. در نهایت میان کارفرما، پیمان کار و مشاور توافق جدیدی در باره قیمت‌ها ایجاد شد و با توجه به اینکه این قیمت‌ها باید مورد تأیید سازمان برنامه‌ریزی و بودجه کشور باشد، این فرآیند نیز زمان‌بر شد.



اوافرد: یکی دیگر از علل تأخیر پروژه بازسازی این بود که احساس کردیم در برخی جبهه‌های کاری پیمان کار سرعت کافی را ندارد. به همین خاطر از حضور پیمان کار اول صرف نظر کردیم و مراحل تغییر پیمان کار نیز پروسه‌ای زمان‌بر بود. مظفری شرایط خاص موزه هنرهای معاصر تهران و ارزش تاریخی که دارد را از دیگر دلایل طولانی شدن فرآیند مرمت و بازسازی عنوان کرد و گفت: موزه هنرهای معاصر تهران دارای سه ویژگی منحصر به فرد است که این ویژگی باعث شد تا ما با دقت بیشتری این پروژه را پیش ببریم.

او همچنین اعلام کرد: به دلیل اینکه پیش‌بینی قبلی برای اتمام پروژه بازسازی به دلایلی که پیشتر ذکر کردم محقق نشد و با تأخیر همراه شد، این بار برای اتمام پروژه تاریخ مشخصی را اعلام نمی‌کنیم؛ اما بداندید تمامی مدیران موزه هنرهای معاصر تهران و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تمامی دست‌اندرکارانی که به نوعی درگیر این پروژه هستند، شبانه‌روز تلاش می‌کنند تا اگر امکان دارد حتی یک روز هم پروژه زودتر به پایان برسد و دیگر شاهد تأخیر نباشیم.

مظفری در ادامه در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه شرایط نکه‌داری آثار گنجینه موزه در طی فرآیند بازسازی به چه صورت است، گفت که تا امروز هیچ گونه تغییری در شرایط حرارتی موزه ایجاد نشده و تا زمان ورود دستگاه جدید حتما استانداردهای لازم برای نگهداری آثار رعایت خواهد شد.

«کمال الملک میلیار دی شد» و تیتروهایی از این دست را در گزارش‌هایی که از دوره‌های مختلف حراج تهران منتشر شده بسیار می‌توان سراغ گرفت. اما شاید بارز ترین مصداق‌ها در ارتباط با آثار هنرمندی بروز می‌کند که خیلی پیش از اینکه نهادهایی چون حراج تهران سر بر آورند، از میان مارفته بود

و هنری ایران با قاطعیت به سپردن آثارش به مجموعه‌داران و واسطه‌گران هنری ترجیح داده بود.

وقتی فقدان هنرمند خبر خوب است

«اثری از زنده یاد اصغر محمدی در دهمین حراج تهران»، «کمال الملک میلیار دی شد» و تیتروهایی از این دست را در گزارش‌هایی که از دوره‌های مختلف حراج تهران منتشر شده بسیار می‌توان سراغ گرفت. اما شاید بارز ترین مصداق‌ها در ارتباط با آثار هنرمندی بروز می‌کند که خیلی پیش از اینکه نهادهایی چون حراج تهران سربر آورند، از میان مارفته بود. برای نزدیک به دو دهه نهادهای واسطه‌گر آثار هنری آفرینش‌های این هنرمند را که بر پایه سلوکی فردی در بذل و بخشش‌هایش به این و آن بخشیده بود، بر سر دست گرفتند و درست برخلاف جهان‌بینی هنرمند در نگاه به آفرینش هنری به نمادی از کالاوارگی هنر بدل کردند.

در شرایطی که نسل‌های آغازگر هنر مدرن ایران یک‌به یک از دست می‌روند و جز تدبیرهای شخصی آنان تعریفی برای صیانت از حقوق مادی و معنوی این آفرینش‌گران آثار تجسمی‌متصور نیست، آینده بی‌شک مصداق‌های بیشتری از این گزاره را پیش روی ما قرار خواهد داد که «هنرمند خوب هنرمند مرده است».

شده با این عبارت‌ها ادامه پیدا می‌کند: «طبق اطلاعات موجود، آثار بزرگ تبریزی در بازار محدود است و به همین خاطر این دسته آثار خواهان بیشتری دارد؛ چرا که بیشتر آثار این هنرمند در ابعاد کوچک هستند لذا می‌توان گفت این درایت مسئولان حراج تهران بود که این کارها را کشف کرده و در این دوره از حراج به معرض فروش گذاشتند. فروش آثار تبریزی در این دوره نسبت به میانگین دومین دوره‌ای که شرکت کرده عالی بوده و این نشان می‌دهد این آثار خواستار زیادی دارد؛ این در حالی است که آثار این هنرمند در بازار محدود است و آثار او تنها بعد از دو دوره حضور در حراج تهران به چنین قیمتی رسیده است. می‌توان گفت صادق تبریزی اعجاب این دوره از حراج تهران بود.»

این اشتیاق نهاد حراج آثار هنری برای استقبال از هنرمندی که دیگر قادر به مراقبت از آفریده‌های خود نیست، هم‌زمان با رویدادهایی دیگر نیز همراه شد که ابعاد دیگری از این سازو کار سوداگرانه را آشکار می‌کند. مهرداد فلاح نقاش و خواهرزاده صادق تبریزی و نماینده خانواده تبریزی هشتم اردیبهشت در گفت‌وگویی با خبرگزاری مهر درباره آخرین وضعیت آثار این هنرمند گفته بود: در چند ماه اول پس از درگذشت صادق تبریزی و بالا رفتن قیمت آثار او، عده‌ای سودجو اقدام به ساخت آثاری جعلی با امضای این هنرمند کردند که به دنبال بی‌گیری‌های قضایی به میزان زیادی از کپی و جعل آثار این هنرمند کاسته شده است.» «گران‌ترین اثر این ارائه شده در یازدهمین حراج تهران متعلق به اثر آیینه کاری، نقاشی پشت پلکسی گلاس و گچ روی چوب منیر شاهرودی فرمانفرمایان است.» خبری دیگر از تازه‌ترین دوره حراج تهران که ناظر بر اوج گرفتن بهای فروش آثار هنری به دنبال فقدان آفرینش‌گران است. این در حالی است که منیر فرمانفرمایان آبان ماه سال ۹۶ با اهدای ۵۰ اثر خود به دانشگاه تهران افزودن گنجینه ارزشمند خود را به میراث فرهنگی



تفسیر ساده اطلاعاتی که از گزاره‌های خبری حراج‌های هنری منتشر شده در رسانه‌ها می‌توان به دست داد، ترجیح مجموعه‌داران هنری بر ارائه آثار هنرمندانی است که دیگر در میان مانیستند و دیگر هرگز نخواهند توانست اعمال نظری بر نحوه ارائه آثار خود داشته باشند

هنگام حیات همواره از منتقدین جدی سازو کارهای سوداگرانه حراج‌گران و مجموعه‌داران هنری ایران بوده و در این زمینه به سهم خود به روشنگری نیز پرداخته است. با این وجود تنها ماه‌هایی پس از درگذشت این هنرمند تلاش‌ها برای عرضه آثار او در حراج‌ها آغاز می‌شود. گزاره‌ای که در این ارتباط مطرح شد در گزارشی از یازدهمین حراج تهران که به تاریخ ۱۷ تیرماه امسال در مجله اینترنتی آوام منتشر

هرگز نخواهند توانست اعمال نظری بر نحوه ارائه آثار خود داشته باشند؛ هر چند در مقوله مالکیت معنوی اثر هنری حتی هنرمندان ایرانی در قید حیات نیز هرگز از حقوق شفافی برخوردار نبوده‌اند. مسعود عربشاهی، هنرمندی که آثار متعدد او از سوی مجموعه‌داران در دوره‌های مختلف این حراجی ارائه شده و از کوردداران این رویداد به شمار می‌رود در گفت‌وگو با نگارنده خود را کاملاً بی اطلاع از چگونگی عرضه آثارش در این دست

حراج‌ها عنوان می‌کند. «درخشش پیشگام سقاخانه پس از درگذشتش در حراج تهران» گزاره خبری دیگری از یازدهمین حراج تهران است که روشن می‌کند برگزارکنندگان حراج تا چه اندازه از فقدان حضور هنرمندان در صحنه عرضه و ارائه آثار تجسمی خوشنود و سرخوش می‌شوند. آن‌هایی که با برارائه آثار هنرمندانی است که دیگر در دارند به خوبی می‌دانند که صادق تبریزی به عنوان یکی از هنرمندان مستقل عرصه هنرهای تجسمی در

هنر، انگار قرار است اذهان عمومی را تماماً به این تصور هدایت کند که «هنرمند خوب، هنرمند مرده است». اینکه در این میان هنرمندی که تن به ذبح هویت فردی‌اش می‌دهد تا چه اندازه در این چرخه مخرب نقش دارد، بی‌ارتباط با سازو کار سوداگرانه‌ای نیست که کالاوارگی اثر هنری را بر تمام جنبه‌های دیگر آن رجح می‌داند. مادر این ارتباط مشخصاً از چه سازوکاری سخن می‌گوییم؟

گزاره‌ها سخن می‌گویند

«در یازدهمین «حراج تهران» ۶۰ هنرمند با ۸۰ اثر حضور دارند که ۲۳ نفر از آنان در قید حیات هستند». بگذارید ورود به مصداق‌های ناراستی‌هایی که فضای هنرهای تجسمی امروز ایران را به خود کشیده، از همین گزاره خبری آغاز کنیم. تفسیر ساده اطلاعاتی که این گزاره به دست می‌دهد، ترجیح مجموعه‌داران هنری بر ارائه آثار هنرمندانی است که دیگر در میان مانیستند. بر اساس همین گزاره نزدیک به دو سوم از هنرمندانی که آثارشان در این حراج ارائه شده، دیگر



پهروز فائقیان

درست برخلاف تصویری که عموماً از هویت یک هنرمند در ذهن وجود دارد، در این گوشه دور از مناسبات حرفه‌ای دنیای هنر، رویه‌ای در پیش گرفته شده که هنرمند را بیش از همه چیز خالی از روحیات و منشی می‌خواهد که برای قرن‌ها تصور ما را از آفرینش‌گران هنر شکل داده است. چهره هنرمند؛ کهن‌الگویی که در مقابل ابتذال می‌ایستد، بر مناسبات فاسد و ضد انسانی جامعه‌اش می‌تازد و در جستجوی حقیقت امور است، امروز و در آشفتگی اذهان مخاطب هنر بیشتر و بیشتر رنگ می‌بازد و مخدوش می‌شود. جابه‌جا کردن‌های خطرناک و ویران‌کننده‌ای که در فضای هنرهای تجسمی امروز ایران رخ می‌دهد؛ از فرو کاستن نقش هنرمند از یک متفکر و پیشرو به ماشین تولید اثر هنری، تا بر کشیدن مجموعه‌داری به بالاترین نهاد تصمیم‌گذاری در ارائه

یادداشت

هنر معاصر به چه افق‌هایی اشاره دارد؟

بده‌بستان هنرهای تجسمی و مد

کامران عظیمی

به رغم تفاوت‌های هستی‌شناسانه بین هنر و مد، اما این دو امروز بیش از همیشه فصل‌های مشترک پیدا کرده‌اند.

میوشیا پرادا برای شوی بهار ۲۰۱۴ خود در میلان به ۶ هنرمند معاصر مأموریت داد تا «کت‌واک» و ابر پایه‌گرافیتی‌های شهری طراحی کنند. نتیجه این رویکرد الهام‌بخش موجب تولید لباس‌ها و کیف‌های دستی منحصر به فردی برای کالکشن او شد. تقریباً دو هفته بعد، کارل لاگرفلد کالکشن خود برای شتل در پاریس را در حالی به نمایش گذاشت که سالن نمایشگاه را به شکل خانه‌ای بادیوارهای سفیدتر بین کرده بود و مدل‌ها در میان ۷۵ مجسمه و نقاشی شامل بطری‌های عطر، مرورایدو گل‌های کاملیا که به صورت نمادین در سالن قرار داشتند، راه می‌رفتند. تعدادی نقاشی رنگ روغن – یادآور کارهای مک کرکن – با نقاط قرمز روی آن‌ها که مفهوم فروش در گالری‌های هنری را تداعی می‌کند هم روی دیوارها رفته بود؛ حرکتی برانگیزاننده و از لحاظ تجاری توجه‌پذیر. تعامل میان هنر و مد، پدیده جدیدی نیست، در